

## نگاه

درباره رمان «چل‌ملوک» و معماری روایت، زمان، غیاب، انتظار و حافظه

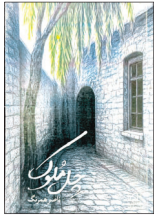
### روایتی برای دیدن دوباره یک رخداد



عسگری‌همن یار

«چل‌ملوک»، تازه‌ترین اثر ناصر همرنگ، از آن داستان‌هایی نیست که بتوان تنها با خلاصه‌کردن رخدادها درباره‌اش داوری کرد. سیدمهدی، روحانی‌ای که معلوم نیست جوان یا پیر است، به روستایی بازمی‌گردد که گذشته‌ای سنگین و رازآلود بر آن سایه انداخته است. در آنجا با ملوک، زنی که سال‌ها چشم‌به‌راه بازگشت کسی است، و با نام و خاطره‌ارباب کیخسرو روبه‌رو می‌شود. مردی که گویی رفتش هنوز پایان نیافته است. از اینجا قصه آمدن و رفتن، انتظار و بازگشت آغاز می‌شود و مرز میان آدم‌ها، خاطره‌ها و زمان آرام‌آرام از میان می‌رود. هر بار که گذشته دوباره روایت می‌شود، چهره‌ای تازه از سیدمهدی، ملوک و کیخسرو آشکار می‌شود، تا جایی که دیگر نمی‌توان به آسانی گفت چه کسی رفته، چه کسی بازگشته و ملوک سال‌ها در انتظار کدامیک بوده است. از این‌رو اگر خط اصلی داستان «چل‌ملوک» را بازگو کنیم، با روایتی چندان پرجاذبه روبه‌رو نیستیم؛ مردی بازمی‌گردد، زنی در انتظار است، گذشته دوباره به اکنون راه پیدا می‌کند و شخصیت‌هایی که گاه هویتشان در یکدیگر تداخل می‌کند، با خاطره، فقدان و بازگشت روبه‌رو می‌شوند. اما مسئله اصلی چل‌ملوک در تعداد رخدادها نیست، در شیوه روایت آنهاست. داستان یک حادثه را بارها در برابر چشم خواننده قرار می‌دهد تا هر بار معنای دیگری از آن آشکار شود. بنابراین در این رمان، پیش‌روی روایت الزاما به معنای پیش‌روی رخداد نیست. رخداد ممکن است همان رخداد بماند، اما دریافت ما از آن تغییر کند. به همین دلیل می‌توان گفت چل‌ملوک بیش از آنکه داستان «چه اتفاقی افتاد؟» باشد، داستان «آنچه اتفاق افتاد چه معنایی داشت؟» است. به همان جهت، شاید مهم‌ترین کلید ورود به چل‌ملوک «انتظار» باشد. انتظار در این داستان فقط حالت روحی ملوک نیست. به تدریج به وضعیت عمومی جهان داستان تبدیل می‌شود. ملوک منتظر است، اما انتظار او فقط انتظار یک شخص برای بازگشت شخصی دیگر نیست. حتی بازگشت نیز الزاماً پایان انتظار نیست. در یکی از لحظات مهم داستان، نسبت سیدمهدی و کیخسرو به مسئله شناخت گره می‌خورد؛ اگر کسی بازگردد، آیا باید او را شناخت یا فقط بازگشتش را پذیرفت؟ و ملوک نیز پیش‌تر گفته است: «اگر آدمی، به فکر ماندن باش». در اینجا انتظار از مضمون به فرم تبدیل می‌شود. خواننده نیز مانند شخصیت‌ها در وضعیت انتظار قرار می‌گیرد. منتظر است بفهمد آنچه می‌بیند چیست. منتظر است رابطه شخصیت‌ها روشن شود. منتظر است گذشته خود را آشکار کند. بنابراین رمان فقط درباره انتظار نیست؛ خواننده را نیز وادار به انتظار می‌کند. از همین منظر، بازگشت در «چل‌ملوک» نقطه مقابل انتظار نیست. ممکن است بازگشت، شکل دیگری از انتظار را آغاز کند. پس، زمان در «چل‌ملوک»، خطی ساده از گذشته به حال نیست. گذشته بارها به اکنون بازمی‌گردد. از طریق آدم‌ها، مکان‌ها، اشیاء، خواب‌ها، نامه‌ها و خاطره‌ها. نامه‌ای که پس از سال‌ها به ملوک می‌رسد، نمونه روشنی از این منطق است. نامه فقط حامل خبر نیست؛ حامل زمانی است که ظاهراً گذشته، اما هنوز تمام نشده است. خود متن از «نامه‌ای از دور» و «هزارسالگی یک شب» سخن می‌گوید. به این ترتیب، گذشته در این رمان فقط چیزی نیست که شخصیت‌ها درباره آن به یاد می‌آورند؛ چیزی است که دوباره در اکنون حضور پیدا می‌کند. این مسئله با انتظار پیوندی مستقیم دارد. انتظار، زندگی‌کردن در فاصله میان اکنون و زمانی است که هنوز نرسیده. ممکن است در «چل‌ملوک»، آنچه انتظار می‌رود گاهی متعلق به آینده نیست، بلکه متعلق به گذشته است. از اینجا زمان داستان حالتی دورانی پیدا می‌کند؛ گذشته به حال بازمی‌گردد، حال گذشته را دوباره معنا می‌کند و انتظار میان این دو قرار می‌گیرد. اما یکی از ویژگی‌های قابل توجه «چل‌ملوک»، حضور پررنگ غیاب است. غیاب، حضوری است که دیده نمی‌شود. کسی که نیست، از طریق خاطره، انتظار، تصویر، خواب و اشیاء همچنان در جهان داستان حضور دارد. ملوک فقط با یک آدم روبه‌رو نیست. با فقدان او نیز زندگی می‌کند. از این منظر، غیاب را می‌توان یکی از شخصیت‌های پنهان رمان دانست. بازگشت نیز الزاماً این غیاب را از میان نمی‌برد؛ زیرا آدمی که در غیاب کسی انتظار می‌کشد، به تدریج تصویری از او در ذهن خود می‌سازد. ممکن است بازگشت واقعی با آن تصویری یکی نباشد. در نتیجه بازگشت می‌تواند هم تحقق انتظار باشد و هم شکست آن. این همان نقطه‌ای است که داستان از قصه‌ای در باره بازگشت به قصه‌ای درباره فاصله میان «آنچه بوده»، «آنچه به یاد مانده» و «آنچه اکنون بازگشته» تبدیل می‌شود. در رمان اما، مکان حافظه‌ای بیرون از ذهن است. خانه، حوض، درخت بید، پنجره، آینه، حیاط، دیوار و سایه‌ها در چل‌ملوک تنها عناصر دگور نیستند. هرکدام به نوعی با حافظه داستان پیوند می‌خورند. درخت بید و سایه‌ها، حوض و انعکاس، آینه و تصویر، همه در جهانی قرار گرفته‌اند که مرز میان حضور و غیاب در آن چندان قطعی نیست. به همین دلیل، فضای داستان گاهی مانند حافظه‌ای بیرونی عمل می‌کند؛ حافظه‌ای که گذشته را در خود نگه داشته است. این ویژگی با ساختمان کلی رمان هماهنگ است. اگر گذشته قرار است در اکنون حضور داشته باشد، باید جایی برای باقی‌ماندن آن وجود داشته باشد و در چل‌ملوک این «جا» فقط ذهن شخصیت‌ها نیست، بلکه خود فضای داستان نیز هست. یکی از تجربه‌های مهم داستان، بازی با هویت شخصیت‌هاست.

متن کامل را در سایت شرق بخوانید

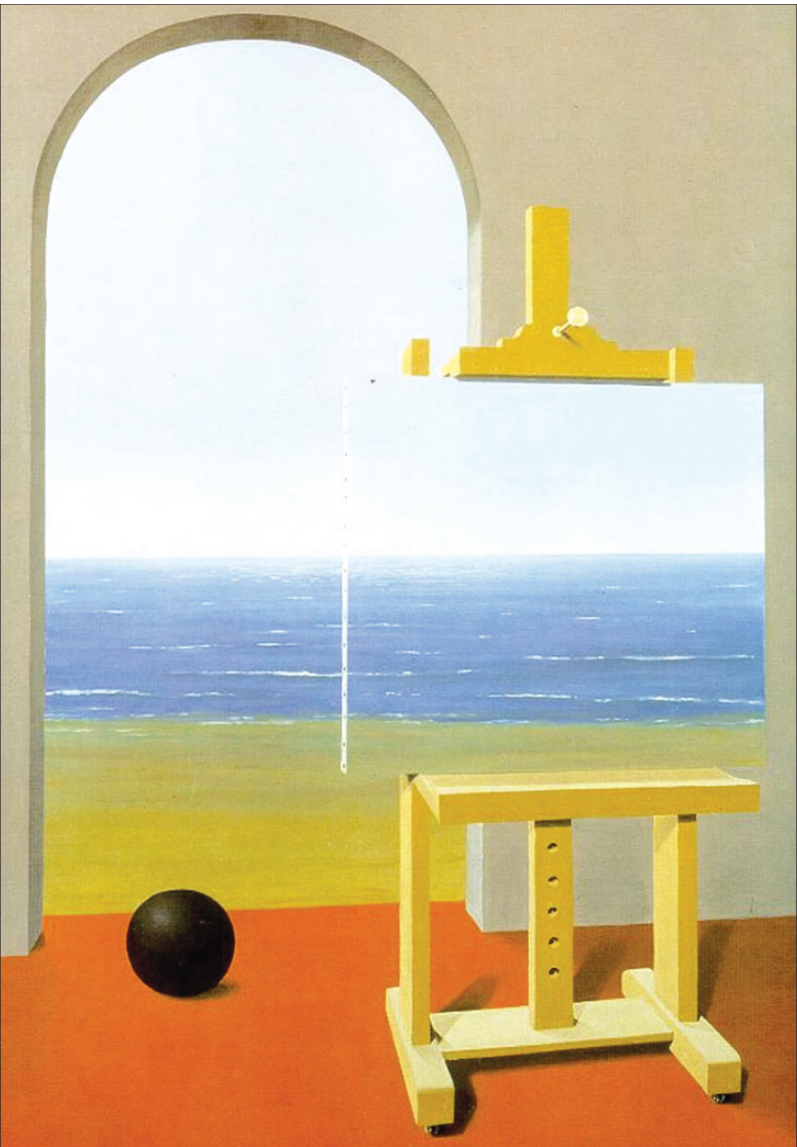


#### چل‌ملوک

ناصر همرنگ  
انتشارات ر‌ه‌بانو

شکل‌های زندگی؛ درباره رمان «شب ممکن» نوشته محمدحسن شهسواری

## حداکثر تنش مجاز



آوان‌ناره می‌نویس

می‌کنند ایده بگیرد. او در این ماجرا حرفی برای گفتن ندارد، چراکه داستان‌ها هرکدام به‌صورت روایت گفته می‌شود و بود و نبود نویسنده چندان اهمیتی پیدا نمی‌کند. نویسنده تنها می‌تواند نوعی توهم نوشتن را در سر پیرواند یا چنان‌که می‌گوید به «آنبوه صفحات سفید پیش‌رو خیره شود که مثل قلعه‌ای فتح‌نشده به او زهرخند می‌زنند». در این حالت نویسنده چیزی به جز «دانای جزء» نیست. شهسواری، نویسنده رمان «شب ممکن»، بر این باور است که داستان باید خواندنی و ماندنی باشد. درست مثل تابلوی نقاشی که بیننده بعد از هر نگاه باز می‌خواهد برگردد و دوباره تابلو را تماشا کند. شهسواری برای این کار از شگرد «حداکثر تنش مجاز» استفاده می‌کند. «حداکثر تنش مجاز» عبارت قابل تأملی است که همچون هر عبارت قابل‌تأمل دیگر می‌توان از آن تعبیر-کوناگون داشت. در وهله نخست، عبارتی است که بیشتر طراحی را به ذهن می‌آورد؛ یعنی مؤلف به‌سان مهندسی می‌شود که رمان را طراحی می‌کند تا حداکثر تنش مجاز در آن رعایت شود بی‌آنکه به ساختمان رمان ضربه‌ای وارد شود. با این حال «شب ممکن» چندان هم مهندسی‌شده نیست زیرا واجد نوعی بوطیقااست که به خواننده توانایی تخیل و ارائه روایت‌های گوناگون می‌دهد. در حقیقت، نویسنده در ساختمان داستانش را کماکان گشوده باقی می‌گذارد تا خواننده در آن رفت‌وآمد کند و صرفاً مصرف‌کننده نباشد. به رغم این، آنچه «شب ممکن» را خواندنی‌تر می‌کند وجود «دالی شناور» است. دال شناور خوب به کار شهسواری می‌آید. مقصود از دال شناور آن است که نشانه‌ها به محل نشان خود نمی‌رسند و دال‌ها به مدلولی معین منتهی نمی‌شوند و تا مادامی که این ربط صورت نگیرد و «قطعیّت» برای پایان ماجرا شکل نگیرد، «بازی» ادامه می‌یابد. مقصود از بازی استعاره‌ای است که برای روندی پویا و تمام‌نشدنی در نظر گرفته می‌شود که با هیجان و ماجرا همراه است تا بدان حد که بازیگران نمی‌خواهند بازی به پایان برسد؛<sup>۱</sup> همچنان که نمی‌خواهند روایت‌ها به پایان برسد. به همین دلیل خانم نویسنده هرچه می‌کوشد کارش به قطعیت برسد و پرونده هاله و مازیار را ببندد، بیشتر سرگردان می‌ماند. از آن نوع سرگردانی که در عین حال خوشایند است زیرا لذت بازی را با خود به همراه می‌آورد. لذتی که با تکرار هر بازی یا هر روایت گویی شروع دوباره ماجرابی است که نمی‌توان از نتیجه آن پیش‌بینیش اطلاع پیدا کرد؛ «فرب جهان قصه روشن است/ بین تا چه زاید شب آبتن است». از طرفی دیگر در «شب ممکن» با یک جور «مزاج» تازه زیاد مرسوم نبوده و آن مزاج دریافت امواجی از ایده‌های پست‌مدرن است که در حیطه ادبیات بیش از آنکه به مضمون و محتوی یک اثر بپردازد، به فرم آن توجه نشان می‌دهد و همین‌طور بازی با دلالت‌ها و گزینش تکنیک‌ها را مدنظر قرار می‌دهد؛ به‌خصوص آنکه قطعیتی هم در کار نیست.<sup>۲</sup> از این نظر دست نویسنده باز است و می‌تواند تا مرزهای تنش مجاز پیش‌روی کند. عبور از مرزهای مجاز، رسیدن به مرزهای سورئال است که شهسواری می‌کوشد از آن پرهیز کند تا لاقبل بتواند به بخشی یا قسمتی از هوای ابری واقعیت وفادار بماند.

«تکرار هسته اصلی «بازی» است. هراکلیتوس، فیلسوف پرواژه یونانی، بر این باور است که هستی همچون کودکی است که شن‌های کنار ساحل را روی هم سوار می‌کند تا شکلی یا طرح مجسمه‌ای که در ذهن دارد بسازد اما پس از آن، آنچه را ساخته خراب می‌کند تا دوباره شکلی دیگر بنا کند. او این بازی را تکرار می‌کند بدون آنکه حتی لحظه‌ای خسته شود زیرا مهم خود بازی است اما مهم به تعبیر شهسواری خود داستان است. ... شهسواری امروز دنیایی را می‌آفریند و فردا در فصل بعد دوباره خرابش می‌کند و روی ویرانه‌های آن دنیای جدیدی را بنا می‌کند و این‌کار را هر فصل تکرار می‌کند، مخاطبی که در فصل آخر بعد از آنکه گیجی له‌شدن مکرر زیر آوار از سرش می‌برد، دوباره دنیایی یکسره متفاوت را پیش چشم خود می‌بیند. دنیایی که حتی به واقعی‌بودن آن هم شک می‌کند» (به نقل از کامنتی نوشته لی‌لی فرح‌بخش، گودریدز).

«شب ممکن» تنها زمانی تکنیکی نیست، اگرچه در این مقاله وجه تکنیکی آن مورد توجه قرار گرفت بلکه در عین حال بیان اجتماعی و وضعیت نمونه‌وار نسلی از جامعه ماست.

۲۰۱۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷